



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۹۴	تاریخ	۱۴۰۴/۰۱/۳۱
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل درس پیشین

بحث در مورد خبر واحدی بود که مدلول مطابقی آن ترخیصی، اما مدلول التزامی اش الزامی است و وجوب عمل به آن از طریق علم اجمالی اثبات شده است. سؤال اصلی این بود که آیا مدلول التزامی الزامی این خبر می تواند طرف علم اجمالی منجز مربوط به الزامات قرار گیرد و بر اصل عملی ترخیصی جاری در مورد خود، مقدم شود؟

اشاره شد که مرحوم آیت الله صدر با استدلالی که می توان آن را دلیل آتی (استدلال از معلول به علت) دانست، معتقد بودند که چون حذف این مدلول التزامی از مجموعه اطراف محتمل علم اجمالی، معمولاً تأثیری در عدد معلوم بالاجمال الزامات ندارد، پس این مدلول، طرف حقیقی آن علم اجمالی نیست و در نتیجه، نسبت به این مدلول الزامی، منجزیت ایجاد نمی کند.

استدلال لمی

آیت الله سید کاظم حائری در تقریر این بحث، وجهی لمی (استدلال از علت به معلول) برای این مطلب بیان می کنند که چرا این مدلول التزامی نمی تواند طرف علم اجمالی الزامات قرار گیرد. این استدلال مبتنی بر تحلیل کیفیت حصول علم اجمالی بر اساس حساب احتمالات و نقش مُضَعَفِ کیفی است.

برای روشن شدن این وجه لمی، سه مقدمه لازم است:

مقدمه اول: نقش مُضَعَفِ کیفی در حصول علم اجمالی مفید

در بحث حساب احتمالات، یکی از نکات اساسی آن است که صرف تراکم کمی احتمالات نامتجانس و فاقد وجه اشتراک کیفی (مُضَعَفِ کمی محض)، لزوماً منجر به حصول علم اجمالی مفید و منجز نمی شود؛ یعنی صرف زیاد بودن تعداد موارد، ما را به یقین اجمالی قابل اعتنا نمی رساند.

فرض کنید ده خبر کاملاً متفاوت و نامرتب از رسانه‌های مختلف می‌شنویم؛ یکی مربوط به یک حادثه قتل، دیگری غرق شدن فردی، سومی یک رخداد سیاسی و... هیچ وجه اشتراک خاصی میان این اخبار نیست. در چنین حالتی، نمی‌توان به سادگی ادعا کرد که علم اجمالی داریم حتماً یکی از این ده خبر صادق است؛ کاملاً محتمل است که هر ده خبر، کذب باشند. تراکم صرف اخبار نامتجانس، احتمال کذب همگانی را به قدر کافی تضعیف نمی‌کند.

مثال دیگر: اگر ده فرد را به صورت تصادفی از مشاغل گوناگون (بقال، قصاب، کارمند و...) در خیابان انتخاب کنیم، نمی‌توانیم علم اجمالی پیدا کنیم که حتماً یکی از آنها فردی عادل است. هیچ وجه اشتراک کیفی خاصی میان آنها وجود ندارد که احتمال عدم وجود حتی یک فرد عادل را در بین آنها بسیار بعید سازد.

در مقابل، هرگاه موارد مورد بررسی دارای وجه اشتراک کیفی باشند، این تشابه و همگونی، احتمال خلاف - مثلاً کذب همگانی یا عدم وجود صفت مورد نظر در همه - را به شدت تضعیف می‌کند (مُضَعَّف کیفی).

حال اگر به جای ده فرد نامرتب، ده نفر خیاط را در نظر بگیریم، احتمال اینکه در بین این ده خیاط، حداقل یک فرد عادل وجود داشته باشد، به مراتب قوی‌تر از حالت قبل است. حال اگر وجوه اشتراک را بیشتر کنیم (مثلاً ده خیاط اصفهانی و...)، احتمال اینکه در چنین جمع همگونی، حتی یک فرد عادل یافت نشود، بسیار ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شود تا جایی که ممکن است به علم اجمالی مفید (اطمینان یا یقین) به وجود حداقل یک فرد عادل در بین آنها دست یابیم.

بنابراین، برای حصول علم اجمالی مفید که در اصول فقه و استنباط احکام به کار می‌آید، صرف کثرت کمی کافی نیست و وجود مُضَعَّف کیفی ضرورت دارد.

مقدمه دوم: منشأ علم اجمالی در دایره الزامات (وجود مُضَعَّف کیفی)

علم اجمالی منجزی که ما به وجود تعداد معتنا بهی از احکام الزامی صادق در میان مجموعه بزرگی از اخبار دال بر الزام داریم - مثلاً علم به وجود ۱۰ هزار حکم الزامی واقعی در بین ۵۰ هزار خبر ظاهراً دال بر الزام، دقیقاً بر پایه وجود یک مُضَعَّف کیفی قوی در این مجموعه استوار است. آن مُضَعَّف کیفی، «اشتراک در دلالت مطابقی بر الزام» است. اینکه ۵۰ هزار خبر، همگی در مدلول مطابقی، بر یک سنخ از حکم (الزام) دلالت می‌کنند، این تشابه محتوایی، احتمال کذب همگانی آنها را از منظر حساب احتمالات بسیار ضعیف می‌سازد و منجر به حصول علم اجمالی مفید به صدق تعداد قابل توجهی از آنها می‌شود.

مقدمه سوم: عدم اشتراک خبر مورد بحث در مُضَعَّف کیفی الزامات

اکنون به خبر واحد مورد بحث بازگردیم؛ خبری که مدلول مطابقی اش ترخیصی و مدلول التزامی اش الزامی است. نکته کلیدی در استدلال آیت الله حائری این است که این خبر، فاقد آن وجه اشتراک کیفی اصلی با مجموعه اخبار مؤلد علم اجمالی الزامات است. وجه اشتراک آن مجموعه، «دلالت مطابقی بر الزام» بود؛ درحالی که مدلول مطابقی این خبر، ترخیصی است و از این جهت، با آن مجموعه ناهمگون است.

بنابراین، مُضَعَّف کیفی کذبی که در آن مجموعه بزرگ اخبار دارای مدلول مطابقی الزامی عمل می‌کرد و منشأ علم اجمالی بود، نسبت به این خبر متفاوت - که مدلول مطابقی اش ترخیصی است - به همان قوت و یا اساساً عمل نمی‌کند. به بیان

دیگر، قدرت تضعیف کنندگی احتمال کذب در این خبر خاص، به مراتب کمتر از قدرت تضعیف کنندگی در اخبار همگون آن مجموعه اصلی است.

نتیجه اینکه از آنجا که خبر مورد بحث، در آن مُضعّف کیفی اصلی که پایه گذار علم اجمالی منجز در دایره الزامات است، شریک نیست - زیرا مدلول مطابقی اش ترخیصی است -، مدلول التزامی الزامی آن نمی تواند طرف حقیقی آن علم اجمالی خاص محسوب شود. علم اجمالی ما به وجود ۱۰ هزار حکم الزامی صادق در بین ۵۰ هزار خبری که مدلول مطابقی شان الزامی است، عمدتاً مستقل از بودن یا نبودن این خبر خاص - با مدلول مطابقی ترخیصی - است. بنابراین، مدلول التزامی این خبر، از آن علم اجمالی خاص - که ناشی از تشابه در مدلول مطابقی الزامی است - منجزیت دریافت نمی کند. در نتیجه، هنگامی که وجوب عمل به خبر صرفاً از باب علم اجمالی ثابت شده باشد، این مدلول التزامی الزامی - به دلیل عدم کسب تنجیز کافی از آن منبع - توان غلبه بر اصل عملی ترخیصی جاری در مورد موضوع خود را نخواهد داشت و اصل عملی مقدم می شود. مگر آنکه مُضعّفات کیفی دیگری در خصوص این خبر وجود داشته باشد که بحث دیگری است و اشاره شهید صدر رحمته الله به «فی الغالب» در متنی که در جلسه گذشته بیان شد، شاید ناظر به همین نکته باشد.

ادامه بحث ان شاء الله در جلسه آینده پیگیری خواهد شد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين